

معرفی کتاب تلخیص البیان فی مجازات القرآن

حمید کوهیما

کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث

کتاب تلخیص البیان فی مجازات القرآن یا تلخیص البیان عن مجازات القرآن تألیفی است ادبی، بلاغی به خامه ابوالحسن محمد بن ابی احمد ره (شریف رضی) از سلاله امام موسی کاظم علیه السلام ۳۵۹ الی ۴۰۶ ق.

این کتاب را ابن خلکان در اثر خود یاد کرده و آن را تألیفی نادر در بیان وجهی از وجوه اسرار معانی - بیان، توصیف کرده است.^(۱) کتاب حاضر در راستای اشباع روحیه بلاغی و ادبی سید رضی (ره) بوده و با توجه به این که ایشان از فحول عرصه شعر و ادب تازی محسوب می شده^(۲) و سخن شناسی نقاد بوده و همچنین با اشاره به ذوق سرشار نویسنده می توان به فحوای متن کتاب دست یافت و خط فکری و سیر عملی نگارنده را در نگارش کتاب استنباط نمود.

این کتاب در پی ارائه یکی از وجوه بلاغت یعنی حقیقت و مجاز مستفاد از قرآن می باشد. این اثر برای ارائه تفسیر بعضی واژگان منتخب و همچنین استخراج معنی کامل و اتم و صحیح کلمه به منظور تفسیر مفردات بعضی از آیات می باشد. که با سبک و سیاق تفسیر ترتیبی متفاوت می باشد.

نظم ارائه شده توسط نگارنده به ترتیب مصحف کنونی است که از سوره بقره آغاز شده و با مفصلات نیز پایان می پذیرد. ایشان از ۸۰ سوره قرآن به جز سوره های (حمد - انفال - قصص - عنکبوت - روم - لقمان - سجده - بروج - اعلی - شمس - لیل الی آخر قرآن) که مجموعاً ۳۴ سوره است یاد کرده و میزان آیات کریمه ای را که بحث کرده به بیش از ۶۶۰ مورد می رسد. در مورد دو سوره نیز پس از یادکرد سوره عنوان می کند که:

لیس فی السورة التی یذکر فیها إذا السماء انقطرت شیئاً من غرض کتابنا هذا.

و لم نجد في السورة التي يذكر فيها عَبَسَ وَ تَوَلَّى شَيْئاً من المعنى الذي قصدنا له.

شکل نگارش اثر به گونه‌ای است که انسان پی به ژرف‌اندیشی و آگاهی مبسوط ایشان در علوم لغت، بدیع، بیان، معانی، صرف و نحو می‌برد. وی با نقادی دقیق و تیزبینی تحسین برانگیز مفردات منتخب را توضیح داده و به فراخور آن مطالب دقیقی را استنباط نموده است. روش کار نگارنده در اغلب موارد بدین گونه است که: پس از ذکر آیه مورد نظر به بیان وجه لغوی (معنی حقیقی) آن پرداخته و سپس معنایی را که از وجه لغوی آن به دست می‌آید بیان می‌کند و در مرحله بعد، وجه معنای مجازی لغت را ارائه می‌دهد. به تناسب نیز از آیات الاحکام متناسب با فقه ائمه اثنی عشری علیهم‌السلام بحث می‌کند. (۳)

مطلب دیگری که در ارتباط با کتاب فوق قابل ذکر است استفاده شریف رضی (ره) از آیات قرآن به عنوان تبیین و توضیح آیه‌ای دیگر است که در مواردی خاص از آن استفاده نموده است. (مثل کاربرد آیه ۴۳ سوره نور به عنوان مبین و موضح آیه ۲۰ سوره بقره). از دیگر مواردی که به عنوان استشهاد در بیان وجه مفردات آیات استفاده نموده است، شعر شعراء و بلغاء مشهوری چون اعشى امرؤ القيس - ابي ذؤيب الهذلي - نابغه ذبیانی و نابغه جعدی و... است. استفاده از روایات معصومین علیهم‌السلام و ارائه سخنان مفسرین و لغویون با بیان اصطلاحاتی چون (قد قبل، قال بعضهم و ذلك كما يقول القائل و...) در این کتاب به وفور قابل رؤیت است. علم و آگاهی کامل ایشان به اختلاف قرائت را می‌توان به عنوان آخرین ویژگی کتاب ایشان مطرح ساخت، به طوری که اگر اختلاف قرائت موجب تغییر معنای آیه شود، مؤلف آن را مطرح ساخته است.

در انتها لازم به ذکر است که یکی از چاپهای کتاب در قطع وزیری متعلق به انتشارات دارالاضواء بیروت به سال ۱۴۰۶ ق است که در ۵۳۶ صفحه و در ۲ بخش تنظیم شده است، بخشی که مشتمل بر مقدمه که به قلم عبدالحسین حلی و ۲۲۰ صفحه که مطالب آموزنده‌ای در شرح حال مؤلف، اساتید، تألیفات، شاگردان، موقعیت سیاسی، اجتماعی ایشان در آن دوره تاریخی و عصر ایشان و معرفی کتاب حاضر است و بخش دوم که

شامل متن اصلی است در حدود ۲۵۵ صفحه منتشر شده است. ضمناً بایستی از آقای محمد عبد الغنی حسن، نیز یاد کرد که علاوه بر نگارش مقدمه دوم برای کتاب حاضر، تحقیق و فهرست نگاری کتاب را نیز متقبل شده است.

اینک نمونه‌یی از متن جهت آشنایی با سبک و سیاق نگارش کتاب تقدیم خوانندگان مجله می‌گردد.

و قوله تعالی: و قالوا قلوبنا غلف^(۴)، هذه استعارة على التأويلين جميعاً. اما ان تكون غُلف جمع اغلف، مثل احمر و حمر يقال سيف اغلف. او تكون جمع غلاف، مثل حمار و حُمُر. تخفف فيقال حُمُر و كذلك يجمع غلاف، فيقال غُلف و غُلف بالثقل و التخفيف. قال ابو عبيدة: كل شئ في غلاف فهو اغلف، يقال: سيف اغلف و قوس غُلفاء، و رجلُ اغلف: اذا لم يختن. فمن قرأ غُلف، على جمع اغلف فالمنعنى ان المشركين قالوا: قلوبنا في اغطية عما يقوله، يريدون النبي ﷺ. و نظير ذلك قوله سبحانه حاكياً عنهم: (و قالوا قلوبنا في اكنة مما تدعونا اليه، و في آذاننا وقر^(۵)) و من قرأ: قلوبنا غلف على جمع غلاف بالثقل و التخفيف، فعنى ذلك: قالوا قلوبنا في اوعية فارغة لا شئ فيها. فلا تكثر علينا من قولك، فانا لا نعى منه شيئاً. فكان قولهم هذا على طريق الاستعفاء من كلامه، و الاحتجاج عن دعائه.^(۶)

پس نوشت

- ۱ - مقدمه کتاب، ص ۷۷.
- ۲ - رجوع به دیگر آثار تألیفی ایشان از قبیل نهج البلاغه - المجازات النبویه - دیوان شعر و الحسن من شعر الحسن.
- ۳ - مثل آیه ۶ از سوره مائده.
- ۴ - بقره / ۸۸.
- ۵ - فصلت / ۵.
- ۶ - ص / ۱۱۶.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی